آغاز نبوّت

دکتر منصور پهلوان*

حامد شریعتی نیاسر**

چکیده: دربارهٔ زمان آغاز نبوّت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بین دانشمندان مسلمان، اختلاف نظر وجود دارد. عدّه‌ای را نظر بر این است که آغاز نبوّت پیامبر صلی الله علیه و آله در سنّ چهل سالگی بوده است و بعضی این زمان را از بدو طفولیّت و پایان دورهٔ شیرخوارگی می‌دانند. عدّه‌ای نیز با استناد به حدیث «**کُنْتُ نَبِیّاً و آدَمُ بَیْنَ الْماءِ وَ الطِّینِ**»، آغاز نبوّت پیامبر صلی الله علیه و آله را قبل از خلقت آدم علیه السلام دانسته‌اند. مسئلهٔ این تحقیق آن است که زمان آغاز نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کِی بوده و آیین ایشان قبل از بعثت چه بوده است.

کلید واژه‌ها: رسالت / بعثت / پیامبری / نبیّ / رسول / پیامبر صلی الله علیه و آله / شَقّ صدر.

* . استاد دانشگاه تهران. Email : pahlevan@ut.ac.ir

** . دانشجوی دکتری رشتهٔ علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران. Email : hshariati.ut.ac.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

طرح مسئله

در خصوص زمان آغاز نبوّت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اقوال گوناگونی وجود دارد که هر کدام نتایج و لوازم متفاوتی دارد. برخی گفته‌اند که آغاز نبوّت رسول خدا صلی الله علیه و آله از بدو خلقت و حتّی قبل از آفرینش آدم بوده است. برخی نیز گفته‌اند که پیامبر از همان بدو تولّد و صباوت نبی بوده و به شریعت خود عمل می‌کرده، امّا مأمور به تبلیغ نبوده است. برخی نیز آغاز نبوّت را مطابق آنچه امروز نیز مشهور است، در سنّ چهل سالگی ایشان دانسته‌اند.

آنچه در این مقاله تحقیق شده، آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بدو طفولیّت، مؤیّد به تأییدات الهی بوده، امّا نبوّت ایشان از سنّ چهل سالگی شروع شده و با ابلاغ آیهٔ ﴿**فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ**﴾ رسالت و دعوت علنی ایشان آغاز شده است بر آیین «الحَنیفیَّةُ الْبَیْضَاء»، یعنی همان دین حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است.

۱) اقوال مختلف در آغاز نبوّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱ـ۱) چهل سالگی

برخی را نظر بر این است که بین دو واژهٔ «نبی» و «رسول» تفاوتی نیست و استعمالات قرآنی این دوکلمه مشابه است و هر دو به یک حقیقت اشاره دارند و آن آغاز نبوّت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله همزمان با بعثت و در سنّ چهل سالگی است. (مظهَری، ص ۲۴ و ۳۳ و ۴۲ـ۴۵ ؛ سبحانی، ***الالهیّات علی هدی الکتاب و السنّة و العقل***، ج ۲، ص ۶۲۱، خرّازی، ص ۱۸۸؛ مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۲ و ج ۱۸، ص ۲۶۶) حتّی برخی تصریح دارند که اگرچه پیامبر از بدو طفولیّت تحت مراقبتهای الهی بوده و مطابق آنچه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغة، در خطبهٔ قاصعه می‌فرمایند، بزرگ‌ترین فرشتهٔ الهی همواره قرین و راهنمای ایشان به راههای فضایل و اخلاق نیکو بود، امّا آغاز نبوّت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله همزمان با بعثت ایشان بوده است. (سبحانی، **راز بزرگ رسالت**، ص ۲۹۴ـ۲۹۵ و ۲۹۹ـ۳۰۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

در این فرض، مسلّم است که پیامبرﷺ به طور ناگهانی، مورد نزول وحی واقع نگردید و برخلاف گفتهٔ عدّه‌ای (بازرگان، ص ۱۶ـ۱۸) این‌گونه نبوده است که پیامبرﷺ از رسالت و نبوّت خویش آگاهی نداشته باشد و در غار حراء برای اوّل بار با فرشتهٔ وحی روبه‌روگشته و پس از آن، برای تأیید و حصول اطمینان از صحّت مشاهدهٔ خود به یک عالم مسیحی متوسّل شده باشد؛ بلکه این آمادگی، طیّ مراحلی پدید آمد و در خلوتهایی که پیامبرﷺ در غار حراء داشت، صدای سروش غیبی را می‌شنید، ولی او را نمی‌دید (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۷۱۳) یا صدای فرشته‌ای را می‌شنید که او را «رسول الله» خطاب می‌کرد (ابن ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۰۷) و پس از بعثت، جبرئیل را در حالی که او را رسول الله خطاب می‌کرد، دید (ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۴۴) وگاه می‌شد که سنگ و درخت وکوه بر او سلام می‌کردند (ابن‌اثیر، ج ۳، ص ۵)[1] و رؤیاهای صادقه ـ که جزئی از نبوّت یا نوعی از وحی به شمار می‌آیند ـ مشاهده می‌کرد و هرچه زمان بعثت نزدیک‌تر می‌شد، مدّت تحنّث در غار حراء و میل به تفکّر و عبادت در او فزونی می‌یافت.

در این فرض، مسلّم است که آغاز نبوّت از سنّ چهل سالگی، در ماه رجب یا در ماه رمضان است که هریکاز این دو تاریخ شواهد روایی خاصّ خود را دارد.[2] لذا مطابق این نظر حتّی بر فرض تفاوت لغوی و محتوایی دو واژهٔ نبیّ و رسول، نبوّت پیامبر اسلام هم‌زمان با رسالت ایشان آغاز شده است و تفاوتی به لحاظ زمانی بین این دو امر نیست و این مسئولیّت مهم از سن چهل سالگی، بر دوش پیامبر نهاده شده است.

دلیل دیگر معتقدان به آغاز نبوّت از چهل سالگی، برخی آیات قرآن (شوری (۴۲) /

۱. قال أبوشامة: و قد كان رسول الله ﷺ يرى عجائب قبل بعثته، فمن ذلك ما في صحيح مسلم عن جابربن سمرة قال: قال رسول الله ﷺ: «إنّي لأعرف حجراً بمكّة كان يسلّم عليّ قبل أن أبعث؛ إنّي لأعرفه الآن.»

۲. نک: مجلسی، ج ۱۸، ص ۱۹۰ ؛ ابن‌هشام، ص ۲۳۹ و ۲۴۰ ؛ ابن‌سعد، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ابن‌کثیر، ج ۱، ص ۳۲۹ ؛ رهبری، ص ۱۰۰ـ۱۳۳ ؛ رسولی محلّاتی، ص ۳ـ۳۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

۵۲ ؛ عنکبوت (۲۹) / ۴۸ ؛ یونس (۱۰) / ۱۶ ؛ قصص (۲۸) / ۸۶ ؛ آل عمران (۳) / ۴۴ ؛ یوسف (۱۲) / ۱۰۲) است که به ظاهر، دلالت دارند که پیامبرﷺ تا قبل از رسالت، گرچه موحّد و یکتاپرست بود، ولی نبی نبود.[1] (مکارم شیرازی، **پیام *قرآن***، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱) از آن جمله است آیهٔ ﴿**وَوَجَدَكَ ضَالّاً فَهَدَى**﴾ (ضحی (۹۳) / ۷) که بحثها و احتمالات فراوانی در خصوص آن، از سوی مفسّران مطرح شده است، (نک: فخر رازی، ج ۳۱، ص ۱۹۷)[2] که یکی از آنها تفسیر ضلالت و هدایت، به ناآگاهی و آگاهی از اسرار نبوّت و قوانین و معارف قرآن است؛ بدین معنا که تو هرگز از این امور آگاه نبودی و خدا بود که این نور را در قلب تو افکند تا با آن انسانها را هدایت کنی. (مکارم شیرازی، **پیام *قرآن***، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱)

بر این نکته، باید افزود که «**ضالّ**» در لغت عرب، سه معنای گمراه، گمشده و گمنام دارد(ابن فارس، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۳۵۷)[3] که تفسیر آیه به هر یک از این معانی،

---

۱. در ادامهٔ پاسخ طرفداران نظریهٔ آغاز نبوّت پیامبرﷺ قبل از چهل سالگی، در استدلال به این آیات خواهد آمد.

۲. فخر رازی در این‌خصوص می‌گوید: «**فاعلم أنّ بعض الناس ذهب إلى أنّه كان كافراً في أوّل الأمر، ثمّ هداه الله و جعله نبيّاً، قال الكلبيّ: «وَجَدَكَ ضَالّاً يعنى كافراً في قوم ضلال فهداك للتّوحيد؛ و قال السدّيّ: كان على دين قومه أربعين سنة؛ و قال مجاهد: وجدك ضالّاً عن الهدى لدينه؛ و احتجّوا على ذلك بآيات أخر، منها قوله: ﴿ما كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتابُ وَ لَا الْإِيمانُ﴾ (شورى (۴۲) / ۲۵) و قوله: ﴿وَ إِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغافِلِينَ﴾ (يوسف (۱۲) / ۳۰) و قوله: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ﴾ (زمر (۳۹) / ۵۶) فهذا يقتضي صحّة ذلك منه، و إذا دلّت هذه الآية على الصحّة وجب حمل قوله: «وَ وَجَدَكَ ضَالّاً عليه؛ و أمّا الجمهور من العلماء فقد اتّفقوا على أنّه عليه‌السلام ماكفر بالله لحظة واحدة. ثمّ قالت المعتزلة: هذا غير جائز عقلاً لما فيه من التنفير؛ و عند أصحابنا هذا غير ممتنع عقلاً لأنّه جائز في العقول أن يكون الشخص كافراً فيرزقه الله الإيمان و يكرمه بالنبوّة، إلا أنّ الدليل السمعيّ قام على أنّ هذا الجائز لم يقع و هو قوله تعالى: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوى﴾. (نجم (۵۳) / ۲) ثمّ ذكروا في تفسير هذه الآية وجوهاً كثيرة.**

۳. **و كلّ جائر عن القصد ضالّ والضلال والضلالة بمعنى؛ و رجل ضليل و مضلل إذا كان صاحب ضلال و باطل؛ و ممّا يدلّ على أنّ أصل الضلال ما ذكرناه، قولهم أضلّ الميّت إذا دفن؛ وذاك كأنّه شيء قد ضاع و يقولون ضلّ اللّبن في الماء ثمّ يقولون استهلك؛ و قال في أضلّ الميّت : وآب مضلّوه بعين جلية و غودر بالجولان حزم و نائل. (صفحه ۳۵۷) قال ابن السكّيت: يقال أضللت بعيري إذا ذهب منك و ضللت المسجد والدار إذا لم تهتد لهما وكذلك كلّ شيء مقيم لا يهتدى له و يقال أرض مضلّة و مضلّة.**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

خدشه‌ای به ساحت مقدّس رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد نمی‌آورد و گمراهی مورد اشاره هرگز معادل کفر و شرک و... نیست؛ زیرا این آیه ناظر به دوران کودکی پیامبر صلی الله علیه و آله است و طبعاً انسان در دوران صباوت و کودکی، کمالات دوران جوانی و میانسالی را ندارد.

همچنین اگر ضالّ به معنای گم‌شده باشد، در این‌صورت، با در تقدیر گرفتن لفظ **«إلی بیتك»** پس از **«فهداك»** (نک: سبحانی، **منشور جاوید**، ج ۶، ص ۸۸ـ۹۶) معنای آیه اشاره به دوران کودکی پیامبر دارد که در شعاب مکّه، گم‌شده بود و اگر رحمت الهی شامل حال او نگشته بود، جان خود را از دست می‌داد.

اگر مقصود از ضالّ، گمنام باشد، در این‌صورت **«فهدی»** به معنای هدایت پیامبر نیست؛ بلکه منظور هدایت مردم به سوی پیامبر است.[1] (مجلسی، ج ۱۶، ص ۱۳۸)

اینها همگی به این دلیل است که مطابق نقلهای مسلّم تاریخی، رسول خدا صلی الله علیه و آله نه‌تنها به لحاظ عقیده موحّد و یکتاپرست بود، بلکه در طول سال، همواره در مواقع خاصّی، به تهجّد و اعتکاف می‌پرداخت (سیوطی، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱) و نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت و حج به جا می‌آورد و از پلیدیهای رایج آن زمان خصوصاً گوشت مردار دوری می‌گزید و در این‌خصوص، اختلافی بین دانشمندان مسلمان وجود ندارد. (سبحانی، ***راز بزرگ رسالت***، ص ۲۹۴ـ۲۹۵ و ۲۹۹ـ۳۰۱)

۱ـ۲) قبل از چهل سالگی

در این‌خصوص، دو احتمال داده شده است: یکی آغاز نبوّت از بدو طفولیّت؛ و دیگری برخورداری پیامبر صلی الله علیه و آله از مقام نبوّت حتّی قبل از آفرینش آدم.

بعثت پیامبران الهی ـ که برترین و خاتم آنها پیامبر بزرگوار اسلام بوده، مراحل و

۱. أنّ المعنی، وجدك مضلولاً عنك في قوم لا یعرفون حقّك، فهداهم إلی معرفتك وأرشدهم إلی فضلك، و الاعتراف بصدقك؛ و المراد أنّك كنت خاملاً لا تذكر و لا تعرف، فعرّفك الله إلی الناس حتّی عـرفوك و عظّموك.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

درجاتی داشته که یکی از آن مراحل «نبوّت» است. این مرحله قبل از مرحلهٔ رسالت بوده، مرحله‌ای است که از طریق فرشتگان یا در خواب یا از طریق الهام، به آنـها وحی می‌شده و دستورها یا خبرهایی از جانب خدای تعالی به ایشان داده می‌شد، و آنان مأمور به عمل بدان می‌شدند؛ ولی مأمور به ابلاغ و رساندن آنها به دیگران نبودند. در این مرحله، آنها «نبی» بودند نه رسول. کلینی﵀ به سند خود از زید شحّام روایت کرده است که گوید: از امام صادق﵇ شنیدم که فرمود:

إنّ الله تبارك و تعالى اتّخذ إبراهيم عبداً قبل أن يتّخذه نبيّاً و إنّ الله اتّخذه نبيّاً قبل أن يتّخذه رسولاً؛ و إنّ الله اتّخذه رسولاً قبل أن يتّخذه خليلاً؛ و إنّ الله اتّخذه خليلاً قبل أن يجعله إماماً. فلمّا جمع له الأشياء قال: إنّي جاعلك للناس إماماً. (کلینی، ج ۱، ص ۱۷۴ـ۱۷۹)

به راستی که خدای تعالی ابراهیم را به بندگی خویش برگرفت پیش از آنکه به نبوّت برگیرد؛ و خدای تعالی او را به نبوّت خویش برگرفت پیش از آنکه به رسالت برگیرد؛ و به رسالت برگرفت پیش از آنکه به دوستی خود برگیرد؛ و به دوستی برگرفت پیش از آنکه به امامت برگیرد. چون همهٔ اینها را برای او گرد آورد، فرمود: «من تو را برای مردم امام قرار دادم.»

همچنین، زراره نقل کرده است: از امام باقر﵇ معنای آیهٔ شریفهٔ ﴿**وَكَانَ رَسُولاً نَبِيّاً**﴾ و فرق میان «رسول» و «نبی» را پرسیدم، آن حضرت در پاسخ من فرمود:

النبيّ الّذي يرى في منامه و يسمع الصوت و لا يعاين الملك و الرسول الّذي يسمع الصوت و يرى في المنام و يعاين الملك... (همان‌جا)

نبی کسی است که در خواب فرشته را ببیند و صدای او را بشنود، ولی به عیان، فرشته را نبیند. و رسول کسی است که صدا را بشنود و در خواب ببیند و در عیان نیز او را مشاهده کند.

در روایت دیگری، از امام صادق﵇ نقل شده است:

الأنبياء و المرسلون على أربع طبقات: فنبيّ منبَّأ في نفسه لا يعدو غيرها؛ و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

نبيّ يرى في النوم و يسمع الصوت و لا يعاينه في اليقظه و لم يبعث الى احد...

(همان‌جا)

انبیاء و رسولان بر چهار طبقه‌اند: «نبی»ای که تنها به او خبر رسیده است و از او به دیگری تجاوز نکند؛ «نبی»ای است که در خواب ببیند و صدا را بشنود و در بیداری او را نبیند و به سوی دیگری هم مبعوث نشده.

۱ـ۳) آغاز نبوّت قبل از خلقت آدمعلیه‌السلام

یکی از عواملی که موجب شده تا این باور شکل گیرد که آغاز نبوّت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از خلقت آدم علیه‌السلام بوده، آیهٔ ۷۵ سورهٔ ص و روایات فراوان موجود در منابع شیعی و سنّی است که همگی به مسئلهٔ تقدّم وجودی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر جمیع ممکنات اشاره دارند. زمانی که ابلیس بر آدم سجده نکرد، خداوند متعال فرمود: ﴿**... يا إِبْليسُ ما مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِما خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالينَ**: *ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد تا برای چیزی که به دو دست خویش آفریده‌ام، سجده آوری؟ آیا تکبّر نمودی یا از عالی‌مقامان بودی؟*﴾

از این آیهٔ شریفه، برمی‌آید که تنها دوگروه بر آدم علیه‌السلام سجده نکردند: مستکبرین و آنان که عالی‌مقام بودند؛ لذا با این سؤال فهماند که ابلیس از عالی‌مقامان نبود؛ پس به‌یقین، از سر استکبار و عصیان سجده نکرده است. حال سؤال این است که این عالی‌مقامان چه کسانی‌اند؛ به‌یقین، اینان ملائک نیستند؛ چون طبق آیات قرآن کریم، همهٔ ملائک مأمور به سجده بودند؛ لذا منظور از عالین کسانی‌اند که برتر از ملائک و برتر از آدم علیه‌السلام هستند. روایات فراوانی در منابع شیعی و سنّی وجود دارد که تأییدی بر این مدّعاست؛ از جمله: ابوسعید خدری گوید:

نزد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله نشسته بودیم. در این هنگام، مردی رو به آن حضرت نمود و گفت: یا رسول الله، مرا خبر ده از قول خدای عزّ و جلّ به ابلیس که ﴿**أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالِينَ؟**﴾ یا رسول الله، چه کسانی هستند اینان که برتر از ملائک مقرّب‌اند؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

رسول الله ﷺ فرمودند: «ایشان من و علی و فاطمه و حسن و حسین هستیم. ما در سراپرده‌های عرش، خدا را تسبیح می‌کردیم و ملائک به تسبیح ما تسبیح می‌گفتند؛ دو هزار سال قبل از خلقت آدم. پس چون خدا آدم را آفرید، امر نمود ملائک راکه بر او سجده نمایند و ملائک مأمور به سجده نشدند، مگر به خاطر ما. پس ملائک همگی سجده کردند؛ مگر ابلیس که از سجده سر باز زد. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿**يا إِبْلِيسُ ما مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِما خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالِينَ؟**﴾ (بحرانی، ج ۴، ص ۶۸۴)

طرفداران این نظر روایات فراوان موجود در منابع عامّه و خاصّه که از مضامین مشابهی برخوردار بوده، ظاهر آنها صراحت در اعطای نبوّت به پیامبر اسلام قبل از آفرینش آدم علیه‌السلام دارد، مستمسک قرار داده‌اند که برخی از این روایات به این شرح می‌باشد: «**كنت نبيّاً و آدم بين الماء و الطين.**» ؛ «**كنت نبيّاً و آدم بين الروح و الجسد.**» ؛ «**كنت نبيّاً و آدم منخول في طينته**» (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۲۲ ؛ ابن‌شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۸۳ ؛ فخر رازی، ج ۶، ص ۵۲۵)

بر مبنای این احادیث است که برخی از محقّقان زمان آغاز نبوّت پیامبر ﷺ را قبل از آفرینش آدم دانسته‌اند. (الصالحی الشامی، ج ۱، ص ۹۶ـ۱۰۰) حتّی برخی نیز به صراحت، بر این نکته تأکید دارند که: «**و الحقّ أنّه ﷺ لم يكن متعبّداً بشريعة من قبله من الأنبياء و أنّه ﷺ كان نبيّاً حين تولّده بل حين كان الآدم بين الماء و الطين ثم صار بعد ذلك رسولاً و أمر بان يدعو الناس بعد أربعين سنة.**» (شبّر، ج ۱، ص ۲۴۴ـ۲۴۶. نیز نک: ابن‌شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۸۳)

برخی نیز بر این ادّعایند که اگرچه نخستین فرد انسانی در زمین و اوّلین نبی آدم علیه‌السلام بود و او و دیگر انبیاء تا آن هنگام که صورت جسمانی آنها خلق نشده باشد، متّصف به صفت نبی نیستند، امّا وجود روحانی نبی مکرّم اسلام ﷺ بالفعل نبی بود و شرایع سایر انبیاء همان حکم نبوّت وی بود که به دست آنها به مردم ابلاغ می شد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

و پیامبران همگی نوّاب او بودند؛ همان‌گونه که در عالم دنیا هم پیامبر نمایندگانی را برای تبلیغ اسلام به شهرهای مختلف می‌فرستاد؛ لذا با این بیان، تمامی شرایع همان شریعت اسلام و شریعت نبیّ مکرّم اسلام است و با ظهور صورت جسمانی وی، تمامی آنها نسخ شده‌اند (میلانی، ج ۵، ص ۲۲۳ـ۲۲۴)

در این نظریّه، مطابق اخبار صحیحه، خداوند این کمال را به پیامبرش اعطا نموده که از همان بدو آفرینش، وجود نوری او دارای مقام نبوّت باشد و مطابق آیات قرآن از تمامی انبیاء پیمان گرفته که او را پیامبر و نبی خود بدانند و اگر در زمان آنها ظهور کرد یاری‌اش کنند که در آن صورت، آنها نبی بر امّت خود هستند و پیامبر نبی آنها و لذا پیامبر اسلام نبی الانبیاء است. (همان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱)

همچنین در این باب، گفته شده که نبوّت پیامبر اسلام از همان زمان اخذ پیمان از بنی آدم آغاز شده و تأخّر زمانی وجود جسمانی او منافاتی با نبی بودن او ندارد. درست مانند آنکه کسی را حاکم و والی قرار دهند، ولی زمان آغاز حکومت او را در آینده و چند سال بعد تعیین کنند. این تأخّر زمانی شروع حکومت منعی برای حاکم بودن او نیست. (همان، ص ۲۵۳)

مشابه این نظر از ابن‌عربی هم نقل شده که علم پیامبر به پیامبری خویش در همان زمان حاصل شده و دیگر انبیاء که به لحاظ زمانی مقدّم بر او هستند، در واقع، نوّاب پیامبر می‌باشند. (ابن العربی، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۴۳ ؛ ج ۲، ص ۱۰۸؛ ج ۳، ص ۲۲)[1] صحیحهٔ احول و دیگر روایات مشابه آن در بیان تفاوت نبی، رسول و محدّث (نک: همان، ص ۲۶۶، روایت شمارهٔ ۲۷) در کنار روایات نقل شده از پیامبرﷺ با این مضمون که «**کنت نبیّاً و آدم بین الماء و الطین**» یا «**بین الروح و الجسد**» و نیز اخبار فراوان موجود در خصوص آنکه ابراهیمؑ قبل از آنکه امام باشد، خلیل بوده و قبل

۱. جالب آنکه ملاصدرا این روایت را حدیثی مشهور و شاهدی بر وجود عالم مثل افلاطونی دانسته و گفته است: «**و اعلم أنّ المنقول من بعض القدماء کأفلاطون القول بقدم النفوس الإنسانیّة، ویؤیّده الحدیث المشهور: کنت نبیّاً و آدم بین الماء و الطین.**» (شیرازی، ج ۹، ص ۳۳۱ـ۳۳۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

از آن رسول و پیش از آن نبی و قبل از همه عبد خدا بوده است (مجلسی، ج ۱۲،ص ۱۲) همگی، دلالت دارد که نبوّت پیامبر اکرمﷺ قبل از شروع رسالت و دعوت رسمی ایشان بوده است.

۱ـ۴) آغاز نبوّت از بدو طفولیّت

تأکید برخی محقّقان بر تفاوت بین رسول و نبی و برتری مقام نبوّت بر رسالت و اینکه هر رسولی قبل از آغاز دعوت رسمی خود از مقام نبوّت برخوردار است (نک: عرب) و نیز مطالب مبسوطی که برخی دیگر دربارهٔ مهر نبوّت و ماهیّت آن و اینکه از ابتدای طفولیّت پیامبر تا رحلت ایشان با وی همراه بوده (نفیسی) به‌طور ضمنی، دلالت بر تقدم نبوّت بر رسالت و آغاز آن از بدو طفولیّت پیامبرﷺ دارد.

همچنین برخی دیگر تصریح دارند که بر اساس روایات، پیامبر قبل از آنکه رسول باشد، نبی بوده و نبوّت او از زمان ولادتش آغازگردیده است. (عاملی، **خلفیات کتاب مأساة الزهراء**ؑ، ج ۱، ص ۳۹۹ـ۴۰۲) افزون بر این، به اعتقاد برخی کلام امام علیؑ در خطبهٔ قاصعه که می‌فرمایند: «**ولقد قرن الله به من لدن ان کان فطیماً أعظم ملك من ملائکته یسلك به طریق المکارم و محاسن أخلاق العالم لیله و نهاره...**» (شریف رضی، خ ۱۹۲ ؛ ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۱) بهترین دلیل بر تقدّم نبوّت پیامبر بر رسالت ایشان است؛ زیرا همان‌گونه که در متن این کلام آمده است، پیامبرﷺ از همان بدو طفولیّت به واسطهٔ یکی از ملائکهٔ بزرگ الهی، تحت تعلیم مستقیم خداوند بوده و مکارم اخلاق و محاسن آداب را از این طریق فراگرفته است و این چیزی جز معنای نبوّت نیست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۸)

پیامبرﷺ طبق نقلهای معتبر و آثار مستفیضه، قبل از بعثت، مؤیّد به روح‌القدس بوده و فرشتهٔ وحی با ایشان سخن می‌گفته است و پیامبر هم صدای آن ملک را می‌شنیده و در خواب او را می‌دیده و از همان طفولیّت، به عبادت خداوند مشغول بوده است، ولی نوع این عبادت برای ما مشخص نیست؛ امّا در چهل سالگی و پس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

از آغاز دعوت رسمی و نزول قرآن، فرشتهٔ وحی را در بیداری هم مشاهده نمود.

در روایتی از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل شده که عیسی علیه‌السلام ـ که در گهواره سخن گفت ـ بر کسانی که سخن او را شنیدند حجّت بود و در همان هنگام از مقام نبوّت برخوردار گشت؛ امّا بعد از هفت سال مأمور به تبلیغ شد و به رسالت رسید. (کلینی، ج ۱، ص ۳۸۲ـ۳۸۳)

همچنین روشن است که ﴿**آتاني الكتاب**﴾ دلالت بر آن دارد که دریافت کتاب در زمان ماضی بوده است؛ یعنی موقفی قبل از زمان تکلّم در گهواره و اگر بنا باشد کلمات **جعلني** و **آتاني** را مربوط به آینده بدانیم، ﴿**جعلني مباركاً**﴾ هم متعلّق به زمان آینده خواهد بود و دلالت بر نفی برکت در زمان تکلّم در گهواره خواهد داشت؛ حال آنکه حضرت عیسی علیه‌السلام در تمام احوال و لحظات زندگی خویش و نه فقط در آینده مبارک است و اینکه عیسی بخواهد بگوید من در آینده پیامبر خواهم شد و کتاب به من عطا می‌شود، معنای نخواهد داشت و در آیهٔ شریفه هم هیچ قرینهٔ حالیّه یا مقالیّه‌ای برای حمل آن بر زمان مستقبل وجود ندارد (عاملی، خلفیات کتاب مأساة الزهراء علیهاالسلام، ج ۱، ص ۳۸۳)؛ بلکه کلام او در کمال عقل و ثبوت تکلیف و حصول نبوّت بود و ظاهر آیه هم بر همین نکته دلالت دارد. (مفید، ص ۱۲۵) علّامه مجلسی با توجّه به این روایت و نیز روایات فراوانی که «**إنّ الله لم يعط نبيّاً فضيلة و لا كرامة و لا معجزة إلّا و قد أعطاه نبيّنا** صلی‌الله‌علیه‌وآله» چنین استدلال می‌کند که چگونه ممکن است انبیای گذشته در کودکی و از بدو تولد، نبی بوده باشند، امّا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله که افضل از ایشان است، تا سنّ چهل سالگی بی‌بهره از مقام نبوّت باشد. همچنین به نظر وی با توجه به روایات فراوانی که در خصوص مقام ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام و خلقت نوری آنها و احوالات و کمالات ایشان در عالم أظلّه و میثاق رسیده است و اینکه قبل از خلق آدم، این ذوات مقدّس در حجب نور به عبادت و تسبیح خدا اشتغال داشته و ملائکه از ایشان تسبیح و تهلیل و تقدیس و... را فراگرفته‌اند و یا روایات مربوط به خلقت نوری ایشان و نیز اخبار ولادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و قرائت کتب آسمانی در بدو

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

ولادت و نیز پاسخگویی امام زمان علیه‌السلام به سؤالات مشکل شیعیان و اخبار از امور غیبی در زمان صباوت و هنگامی که در آغوش پدر خویش بودند و نیز فضایل دیگر ائمّه، برای هیچ فرد عاقلی، جای شکّی باقی نمی‌ماند که پیامبر اکرم که افضل انبیاء است، قطعاً قبل از آغاز رسالت در سنّ چهل سالگی، متعبّد به دستورهای الهی و برخوردار از مقام نبوّت بوده و تمامی این فضائل را داشته است. علاوه بر این، اخباری که در خصوص ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اظهار نبوّت توسّط ایشان در همان بدو تولد رسیده نیز تأیید دیگری بر این مدّعاست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۹)

در این خصوص، گرچه برخی گفته‌اند این امر جنبهٔ عمومی نداشته و به حسب شرایط و موقعیّت آن زمان بوده است و نبود آن برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله منقصتی به شمار نمی‌آید، امّا دلیلی هم برای نفی اعطای نبوّت درکودکی به رسول خدا نیست.

همچنین بر فرض آنکه از بدو طفولیّت تا زمان رسیدن به بلوغ را نادیده بگیریم، امّا پس از آن، هر مکلّفی باید به دستورهای الهی عمل کند. هیچ زمانی این تکلیف ازکسی برداشته نمی‌شود؛ از این‌رو، لازم است تا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در آن هنگام نبی بوده و عامل به شریعت خود باشد و یا اینکه از شریعت انبیای پیش از خود تبعیّت کند. پس اگر بر این باور باشیم که قبل از شروع دعوت رسمی در سنّ چهل سالگی، هیچ وحیی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نشده و پیامبر در آن هنگام نبی نبوده، با توجّه به آنکه طبق اخبار متواتره خداوند در هیچ زمانی زمین را خالی از حجّت قرار نداده است و در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم اوصیاء عیسی و ابراهیم علیهماالسلام بوده‌اند، لازم است تا ایشان از اوصیای عیسی علیه‌السلام ـ بر فرض جهانی بودن دین مسیح علیه‌السلام ـ یا اوصیای ابراهیم علیه‌السلام تبعیّت کند و آنها حجّت بر پیامبر باشند، امّا این فرض به دو دلیل ممکن نیست. نخست آنکه پیامبر افضل از آنان است و دوم آنکه ابوطالب و غیر او نمی‌توانند حجّت بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باشند و تنها مستودع وصایای نبوّت بوده‌اند. (نک: مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۴۰ و ج ۳۵، ص ۷۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

حدیث شقّ صدر

یکی از دلایل کسانی که آغاز نبوّت رسول خدا را بدو طفولیّت می دانند، استناد به حدیث شقّ صدر است که با تفاوتهایی در ذکر سنّ پیامبر و مواضع روی دادن این حادثه، نقل شده است.[1] این جریان در منابع سیره و تاریخ به عنوان یکی از معجزات پیامبرﷺ ذکر شده و فضیلتی برای ایشان به شمار آمده است و آن را از امور خارق‌العاده‌ای دانسته‌اند که باید در مقابل آن تسلیم بود و به آن ایمان داشت و آن را از امور محال ندانست؛ زیرا راویان این حدیث از جملهٔ ثقات و مشاهیر دانسته شده‌اند؛

این جریان بر طبق نقلهایی که وجود دارد، یک‌بار در زمان طفولیّت پیامبر و بار دیگر در سنّ ۱۰ سالگی و دیگر بار در سنّ حدود ۵۰ سالگی و شب معراج روی داده است و این تکرار از باب فضیلت و شرف برای وی است. این کارگرچه شاید در آن زمان محال به نظر می‌رسید، امّا امروزه در بسیاری از جرّاحیها مشابه آن انجام می‌شود وکاری است در حدّ قدرت بشر و اگر بشر بتواند چنین کاری انجام دهد، به طریق اولی، این امر از سوی عوامل آسمانی امکان‌پذیر است و استبعادی ندارد. (ابن‌حبّان، ص ۳۷، پاورقی)

امّا داستان شقّ صدر به اجمال، چنین است که روزی پیامبر در دوران طفولیّت و هنگامی که خارج از مکّه و در قبیلهٔ بنی‌سعد بود، به ناگاه جبرئیل فرود می‌آید و شکافی در سینهٔ وی ایجاد می‌کند و قلب پیامبرﷺ را در تشتی از آب زمزم شستشو می‌دهد تا بهرهٔ شیطان از آن پاک شود. راوی این ماجراکه انس است، می‌گوید: من اثر این خط را در سینهٔ پیامبر مشاهده کردم. این حدیث را بیشتر منابع عامّه نقل کرده‌اند. (ابن‌حبّان، ج ۱۴، ص ۲۴۲ـ۲۵۰ ؛ بیهقی، ص ۵ و ۷ و ۸؛ ابن‌هشام، ج ۱، ص ۲۰۱ـ۲۰۳، ابن

۱. برخی از دانشمندان اهل سنّت این جریان را برای شب معراج نیز ذکر کرده‌اند. (نک: ابن حبان، ج ۳، ص ۳۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۵ـ۲۰۶) و حتّی تألیفات مستقلی هم دربارهٔ این جریان نگاشته شده است.[1] (نک: البغدادی، اسماعیل باشا، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۶۷۵؛ همو، هدیة العارفین، ج ۱، ص ۶۵۶؛ کحالة، ج ۶، ص ۲۵۰)

در برخی منابع، ابوهریره تنها فردی است که از رسول خدا دربارهٔ نخستین چیزی که با آن نبوّت آغاز شد سؤال می‌کند و می‌گوید: «**یا رسول الله! ما أوّل ما ابتدئت به من أمر النبوّة؟**» و پیامبر هم در پاسخ، جریان شقّ صدر را برای او تعریف می‌کنند.[2] (المقریزی، ج ۳، ص ۳۳ـ۳۷) این جریان چنان مسلّم فرض شده که برخی حتّی اشعاری دربارهٔ آن سروده‌اند و معتقدند که این جریان در طول عمر پیامبرﷺ سه تا پنج بار تکرار شده است. (ابوریه، ص ۱۸۷، به نقل از ابن‌هشام)

همچنین غالب مفسّران در ذیل آیات سورهٔ انشراح این داستان را ذکر کرده و دلایلی را در قبول یا ردّ آن مطرح نموده‌اند. از جمله، علّامه طباطبایی آن را از باب مثل و نه حقیقت، جایز دانسته‌اند. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۱۷) و دیگرانی هم که این قصّه را در کتاب تفسیر خود آورده‌اند، در توجیه آن چنین گفته‌اند که بر فرض پذیرش صحّت چنین روایتی، نمی‌توان منظور از آن را قلب جسمانی دانست و مدلول آیهٔ شرح صدر، مفهومی وسیع و گسترده دارد که این رویداد بر فرض صحّت، تنها مصداقی از آن محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۳)

نقد

محقّقان و تحلیل‌گران تاریخ اسلام (العاملی، الصحیح من سیره النبیّ الاعظم، ج ۲، ص ۸۳ـ۹۰ ؛ پیشوایی، ص ۱۰۶) به دلایل متعدّد این موضوع را دور از واقعیّت و از مجعولات می‌دانند. از جمله آنکه این روایتها به لحاظ متن، دچار نوعی اضطراب و

۱. النقل المتین في شق صدر النبي الأمین، عثمان‌بن أحمدبن موسی الضجاعي الحکمي (م حدود ۹۸۶).
۲. مشابه همین روایت به ابوذر هم نسبت داده شده است. (مقریزی، ج ۳، ص ۳۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

چندگونگی نقل هستند و به علاوه به لحاظ سندی هم قابل مناقشه‌اند. (یوسفی غروی، ج ۱، ص ۲۶۵)

همچنین چگونه ممکن است منبع تمامی شرور غده یا لخته‌خونی در قلب باشد که با برداشتن آن انسان به یک فرد متّقی و معصوم تبدیل شود. آیا در این صورت، عصمت امری جبری نخواهد بود که با یک جرّاحی تمام بدیها از پیامبر دفع شده باشند؟ و اگر قرار است با برداشته شدن این غدّه تمامی شرور برطرف شوند، دیگر چه نیازی به تکرار این کار و حتّی در زمانی پس از بعثت است؟ آیا خداوند نمی‌توانست از ابتدا پیامبرش را بدون وجود چنین چیزی در قلب او خلق کند تا دیگر نیازی به این جرّاحی دردناک نباشد؟ و آیا این داستان با افضلیّت پیامبر بر تمامی دیگر انبیاء منافات ندارد؟ ضمن آنکه اصل این جریان برگرفته از اسطوره‌های دوران جاهلیّت است. (عاملی، الصحیح من سیرة النبیّ الاعظم، ص ۸۶ و ۸۸ـ۹۰)

همچنین برخی از دانشمندان معاصر اهل سنّت، از جمله محمود ابوریه، در کتاب *اضواء علی السنّه المحمدیّه* به شدّت، به ردّ آن پرداخته و این قبیل روایات را از جمله اسرائیلیات و ساخته و پرداخته علمای اهل کتاب دانسته است.

معتقدان به حدیث شقّ صدر آیا به آیات قرآن توجّه نکرده‌اند؟! به ویژه آنچه در سورهٔ حجر آمده که خداوند به شیطان می‌فرماید تو بر بندگان مخلص من تسلّط نداری. (حجر (۱۵) / ۴۲؛ اسراء (۱۷) / ۶۵) با این بیان آیهٔ شریفهٔ دیگر چه جای نفوذی برای شیطان در پیامبر می‌ماند تا نیاز به شقّ صدر و خارج کردن تأثیرات شیطانی از قلب پیامبر باشد؟ بر فرض هم که این حدیث صحیح باشد، خبر واحد است و با احادیث متواتری که مفید یقین است، در تعارض می‌باشد. (ابورية، ص ۱۸۸) ابوریه به نقل از استاد خود محمّد عبده چنین می‌گوید که: برای ما مسلّم است که شیطان بر بندگان مخلص خدا که نبی مکرم اسلام برترین آنان است، تسلّط ندارد و آنچه در احادیث مبنی بر اسلام شیطان پیامبر به دست ایشان و یا زدوده شدن بهرهٔ شیطان از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

سینهٔ پیامبر (حدیث شقّ صدر) و مانند آن آمده، همگی اخبار ظنّی و آحاد است و به دلیل آنکه ایمان به این اخبار، از مقولهٔ ایمان به غیب و عقایدی است که نباید در آن به اخبار ظنّی عمل کرد، ما مکلّف به اخذ این احادیث در عقاید خود نیستیم (ابوریه، ص ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۶ و ۱۸۸)

خاتمه و نتیجه‌گیری

نبوّت پیامر اکرم صلی الله علیه و آله از سنّ چهل سالگی آغاز گردید و مدّتی بعد با نزول آیهٔ ﴿**فاصدع بما تؤمر**﴾ دعوت علنی و رسالت ایشان پایه‌گذاری گردید؛ اگرچه ایشان از بدو طفولیّت مؤیّد به روح القدس و تأییدات الهی بوده‌اند. دربارهٔ آیین پیامبر اکرم قبل از بعثت نیز می‌توان گفت که، ایشان در این دوران بر آیین حنیف ابراهیم علیه السلام بوده‌اند و نه یهودی و مسیحی، زیرا حضرت مسیح علیه السلام پیامبر بنی اسرائیل بوده و دین او برخلاف آیین حنیف ابراهیم، دینی جهانی و فراگیر نبوده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی‌الحدید. ***شرح نهج البلاغة***. تحقیق محمّد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار إحیاء الکتب العربیّة، ۱۹۶۱ م.

۲. ابن‌حبان. ***صحیح ابن حبان.*** تحقیق شعیب الأرنؤوط. مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳ م.

۳. ابن‌سعد. ***الطبقات الکبری.*** بیروت: دار للطباعة و النشر، ۱۴۰۵.

۴. ابن شهرآشوب. ***مناقب آل ابی‌طالب.*** قم: المطبعة العلمیّة.

۵. ابن‌فارس، أبوالحسین أحمد. ***معجم مقاییس اللّغة.*** تحقیق عبدالسلام محمّد هارون. مکتبة الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.

۶. ابن‌کثیر. ***البدایة و النهایة.*** بیروت: دارالمعرفة، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ق /۱۹۹۸م.

۷. ابن‌عربی. ***الفتوحات المکّیّة.*** بیروت: دار صادر ـ دار إحیاء التراث العربیّ.

۸. ابن‌منظور. ***لسان العرب.*** قم: أدب الحوزة، ۱۴۰۵.

۹. ابن‌هشام. ***السیرة النبویّه.*** تحقیق و تعلیق و شرح و فهرس مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی. بیروت: دار احیاء التراث العربیّ، چاپ سوم، ۱۴۲۱ ق.

۱۰. ابوریّة، محمود. ***أضواء علی السنّة المحمّدیة.*** نشر البطحاء، الطبعة الخامسة، مزیدة محققة.

۱۱. بازرگان، مهدی. ***پا به پای وحی: تفسیر تدبّری قرآن بر حسب نزول.*** [بی تا].

۱۲. بحرانی، سیّد هاشم. ***البرهان فی تفسیر القرآن.*** تحقیق قسم الدراسات الإسلامیّة مؤسّسة البعثة. تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶.

۱۳. بغدادی، اسماعیل باشا. ***إیضاح المکنون.*** تصحیح رفعت بیلگه الکلیسی. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۴. ـــــــــ. ***هدیة العارفین.*** بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۵. بیهقی، ابوبکر احمدبن حسین. ***السنن.*** بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۰۵.

۱۶. پیشوایی، مهدی. ***تاریخ اسلام از جاهلیّت تا رحلت پیامبر اسلام*** ﷺ. قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

۱۷. جوادی آملی، عبدالله. ***تفسیر موضوعی قرآن: سیرهٔ علمی و عملی حضرت رسول اکرم***ﷺ. قم: نشر اسراء، ۱۳۷۴ ش.

۱۸. خرّازی، سیّد محسن. ***بداية المعارف الإلهيّة في شرح عقايد الإماميّة***. بیروت: دارالمیزان، ۱۴۱۲.

۱۹. رسولی محلّاتی، هاشم. بحوث حول بعثة رسول الله ﷺ، **مجموعه مقالات کنگرهٔ شیخ مفید**، شمارهٔ ۱۱.

۲۰. رهبری، حسن. آغاز نبوّت و چگونگی نزول قرآن. ***نشریّهٔ پژوهشهای قرآنی***، شمارهٔ ۴۶ و ۴۷، تابستان و پائیز ۱۳۸۵.

۲۱. سبحانی، جعفر. ***الإلهيّات على هدى الكتاب و السنّة و العقل: محاضرات الأستاذ الشيخ جعفر السبحانيّ***. به کوشش حسن مکّی عاملی. بیروت: الدار الإسلامیّة، ۱۴۱۰.

۲۲. ـــــــــ. ***أضواء على عقائد الشيعة الإماميّة***. قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام، چاپ اوّل، ۱۴۲۱.

۲۳. ـــــــــ. ***راز بزرگ رسالت***. تهران: کتابخانهٔ مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸.

۲۴. ـــــــــ. ***منشور جاوید***. قم: مؤسّسهٔ امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۷۵.

۲۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن‌بن ابی‌بکر. ***الإتقان في علوم القرآن***. تصحیح محمّد سالم هشام. تهران: ذوی القربی، ۱۴۲۲.

۲۶. شبّر، سیّد عبدالله. ***حقّ اليقين في معرفة أصول الدين***. بیروت: دارالأضواء.

۲۷. شیرازی، صدر الدین محمّد. ***الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة***. بیروت: دار إحیاء التراث العربی. چاپ سوم، ۱۹۸۱ م.

۲۸. صالحی شامی، محمّدبن یوسف. ***سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد***. تحقیق مصطفی عبدالواحد. قاهره: وزارة الأوقاف.

۲۹. طباطبایی، سیّد محمّدحسین. ***الميزان في تفسير القرآن***. بیروت: مؤسّسة الأعلمیّ للمطبوعات. چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۳۰. عاملی، سیّد جعفر مرتضی. ***الصحيح من سيرة النبيّ الأعظم***ﷺ. بیروت: دارالهادي للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.

۳۱. ـــــــــ. ***خلفيات كتاب مأساة الزهراء***علیها‌السلام. بیروت: دار السیرة، چاپ پنجم، ۱۴۲۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

۳۲. عرب، مهین. ولایت و نسبت آن با نبوّت و رسالت: با تکیه بر آراء سیّد حیدر آملی. ***نشریّهٔ ندای صادق***علیه‌السلام، شمارهٔ ۲۳، پاییز ۱۳۸۰.

۳۳. علم الهدی، علی‌بن حسین سیّد مرتضی. ***الذریعة إلی أصول الشریعة***. تحقیق گروه علمی مؤسّسهٔ امام صادقعلیه‌السلام با اشراف جعفر سبحانی. قم: ۱۴۲۹.

۳۴. ـــــــــ. ***الذریعة إلی أصول الشریعة***. تصحیح و تقدیم و تعلیق ابوالقاسم گرجی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.

۳۵. عمر کحالة. ***معجم المؤلّفین***. بیروت: مکتبة المثنی و دار إحیاء التراث العربی.

۳۶. فخر رازی، ابوعبدالله محمّدبن عمر. ***مفاتیح الغیب***. بیروت: دار احیاء التراث العربیّ، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

۳۷. قمی، شیخ عبّاس. ***سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار***. تهران: دارالأسوة للطباعة و النشر، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.

۳۸. کلینی، محمّدبن یعقوب. ***الکافي***. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفّاری. تهران: دار الکتب الإسلامیّة، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.

۳۹. کمره‌ای، میرزا خلیل. ***افق وحی***. تهران: چاپخانه اسلامیّه، ۱۳۴۷ ش.

۴۰. مجلسی، محمّدباقر. ***بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار أئمّة الأطهار***علیهم‌السلام. بیروت: مؤسّسة الوفاء.

۴۱. مقدّسی، مطهّربن طاهر. ***البدء و التاریخ***. منسوب به ابوزید احمدبن سهل بلخی. مکتبة الثقافة الدینیّة.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. ***پیام قرآن***. قم: مدرسة الإمام أمیرالمؤمنینعلیه‌السلام، ۱۳۷۷.

۴۳. ـــــــــ. ***تفسیر نمونه***. تهران: دارالکتب الإسلامیّة، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷.

۴۴. مطهّری، مرتضی. ***خاتمیّت***. تهران: صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۴.

۴۵. محقق حلّی، نجم‌الدین ابی‌القاسم جعفربن الحسن‌بن یحیی‌بن سعید الهذلی صاحب الشرایع، ***معارج الاصول***. اعداد : رضوی، محمّد حسین؛ الطبعه الاولی، ۱۴۰۳، مؤسسه آل البیتعلیهم‌السلام للطباعه و النشر، قم.

۴۶. مقریزی. ***إمتاع الأسماع***. تحقیق و تعلیق محمّد عبدالحمید النمیسی. بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰/۱۹۹۹م.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]

۴۷. میرزای قمی، ابوالقاسم‌بن محمّدحسن. ***قوانین الأصول***. چاپ سنگی قدیم.

۴۸. نفیسی، ابوتراب. تحقیق دربارهٔ ماهیّت «مهر نبوّت» حضرت خاتم الانبیاء محمدبن عبدالله صلی الله علیه و آله، ***نشریهٔ دانشکدهٔ الهیّات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد***، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۵۴.

۴۹. یوسفی غروی، محمّد هادی. ***موسوعة التاریخ الإسلامی، العصر النبوی، العهد المکّی***. قم: مجمع الفکر الاسلامی، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۷ ق.

۵۰. میلانی، سیّد علی. ***نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار للعلم الحجة آیة الله السید حامد حسین اللکهنوی***. ۱۴۱۴.

۵۱. مفید. ***أوائل المقالات***. تحقیق شیخ ابراهیم انصاری. بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ـ ۱۹۹۳ م.

۵۲. نمازی شاهرودی، علی. ***مستدرک سفینة البحار***. تحقیق و تصحیح شیخ حسن‌بن علی نمازی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۹.

منابع دیجیتال

۱.سایت مجلات تخصصی نور

۲. نرم افزار جامع التفاسیر

۳. نرم افزار مکتبه اهل البیت(ع)

۴. نرم افزار دانشنامه نبوی

۵. نرم افزار معجم موضوعی بحار الانوار

۶. نرم افزار جامع الاحادیث

۷. نرم افزار نورالفقاهه

۸. سایت پژوهشکده باقر العلوم

۹. سایت پرسمان دینی

۱۰. سایت اعتقادات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.8.29.3.9]